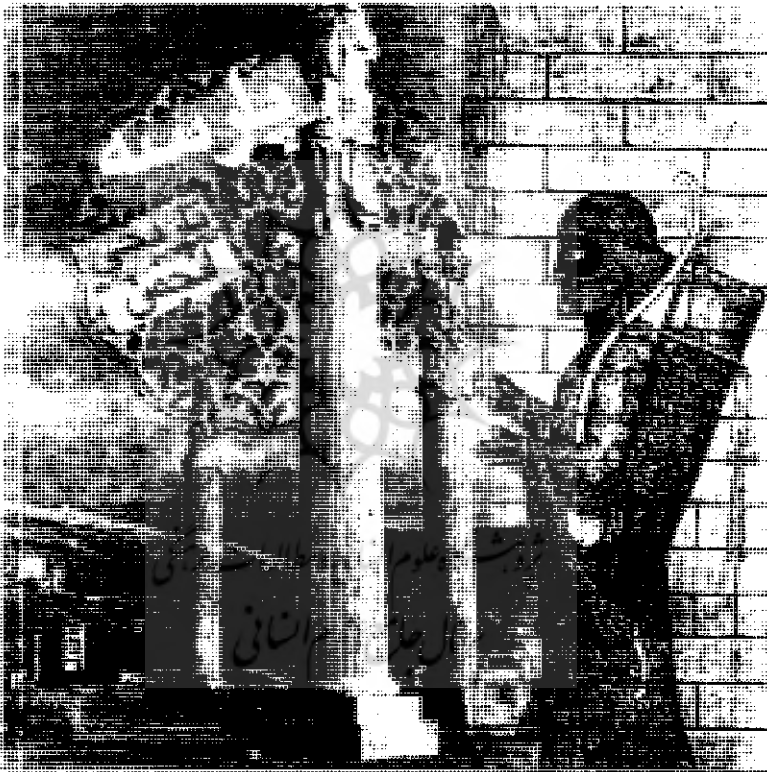


بخش ویژه: همگام با میراث فرهنگی و گردشگری

- به ایران بیندیشیم
- معرفی انجمن پارسه دوستداران میراث فرهنگی
- اخبار پارسه



همکاران این بخش : جواد روحانی نژاد - علی اکبر عشقی - غلامحسین نوعی - سودابه انصاری - حمیده لطفی نیا

صندوق پستی انجمن پارسه: ۱۳۸۶-۹۱۸۹۵

وب سایت: www.parsed.ir

به ایران بیندیشیم

جواد روحانی نژاد*



به ایران بیندیشیم، که قدمتی سه هزاره دارد و همت فرزندان نخبه خویش در جهان سربلند زیسته است. به این سرزمین بیندیشیم، که مردمش، چنان که جغرافیا و آداب و رسومش گونه گونه‌اند، ولی از تاریکی‌ها، پرت‌گاه‌ها و دشواریهای فراوان تاریخ، در همهی دوران‌ها آن سان به شیوه‌ای یکسان گذر کرده که گویی به روشنایی چراغ فردیس یگانه راه سپرده است.

ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم از تاریخ و رویدادها برکنار باشیم. زیرا ما خود زاده تاریخ هستیم، و همچنان که سرگذشت پیشینیان برای ما تاریخ به وجود آورده، زندگانی و سرگذشت ما هم برای آیندگان تاریخ به وجود می‌آورد. این دور تسلسل تا جهان باقی است، مستمر و برقرار می‌باشد. قرون و اعصار، مانند سلسله و زنجیر به هم پیوسته‌اند این پیوستگی نمودار رابطه باطنی و تأثیر سرگذشتهای رویدادهای هر عصر در سرنوشت مردم عصر دیگر است. ایران عزیز ما در اثر موقعیت ممتاز و مناسب جغرافیایی، و قرار گرفتن بین فرهنگهای گوناگون پیش رفته، از دیرباز، از یک فرهنگ کهن غنی و گسترده برخوردار بوده است. در نتیجه، آمیخته‌ای از



* کارشناس تاریخ، از دانشگاه فردوسی مشهد، عضو هیئت مدیره انجمن پارسه

فرهنکهای متنوع را یکجا در دل خود جای داده، و تاریخ ایران را به صورت تاریخ توالی رویدادها و تمدنها در آورده است. در این مدت طولانی، اگر هم در پاره‌ای از سده‌ها، حکومت وحدت ملی نداشته، همواره به اصیل‌ترین ارزشهای اندیشه‌ای و اخلاقی تکیه داشته و از حیث فرهنگهای گوناگون، کانون مرکزی فرهنگها بوده است. فرهنگی که به ویژگیهای برجسته، و فضائل علمی و اخلاقی و نشاط و کوشش و هنرهای ظریفه و عشق به زیبایی، و فلسفه آراسته بوده است. نبوغ ممتاز و فرهنگ عالی و ذوق هنری و روشهای نیک اجتماعی مردمان ایران زمین، پیوسته مورد تحسین و تقدیر جهانیان بوده است. بر این بوم و بر مردم بردبار و پیکارگرش، بسیار روزهای شاد و سرسبز، یا غم آلود و افسرده گذشته. بسیار بهارها با کامرانی و سربلندی، و گاهی با دلتنگی و تلخ کامی سر بر زده است، که پاره‌ای از آنها در برگهای تاریخ این چند هزار سال نقش بسته است.

این سرزمین در طول تاریخ کهن و پر رویداد خود، فراز و فرودهای بسیار را گذرانده، سرافرازیها و سبزی بختی‌های دوران هخامنشی، اشکانی، ساسانی، صفاری، سامانی، سلجوقی، صفوی، نادری و کریمخانی را به یاد دارد، و هم سربزیری و تیره بختی هجومهای مقدونی، تازی، ترک، غزه، مغول و تیمور را. با این همه سربلند و مباحی است، که بر غم همه رویدادهای خانه برانداز و ویرانگر، روزهای تیره و وحشتناک، با شکیبایی و فرزانیگی زنده و تابنده مانده، خود را استوارتر و نیرومندتر بر پا داشته است. پس از هر افتادنی، مردانه از جا برخاسته، مهاجمان و متجاوزان را، یا با نیروی نظامی و یا با نفوذ معنوی و فرهنگی خود، از پای در آورده، و مقهورشان ساخته، و آنها را در نبوغ و فرهنگ خود مستهلک و مستحیل ساخته است.

همین مرکزیت و امتیاز باعث شده، که هر گوشه و کنار این پهن دشت، نمودار دوره‌ای از تاریخ و بخشی از تمدنها باشد، و هم مرکز جذبی برای پژوهندگان و آنانی که در صفحات تاریخ به جستجو



می‌پردازند، فارغ از کشور گشائیه‌ها و گفتگوها، به تاریخ فرهنگها برسند.

آری سیر در فرهنگ و در تاریخ، آموزنده و سرگرم کننده می‌باشد. بویژه تاریخ سرزمین ما که داستانه‌های شگفت‌آور پندآمیزی دارد. شناختن فرهنگ اصیل هر ملت برای مردمش، در حقیقت یکنوع خودشناسی و آگاهی به منابع فرهنگی و

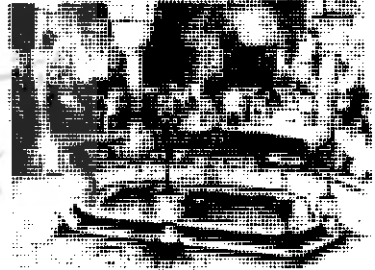


ریشه‌های هستی و موجودیت هر فرد، و شناسنامه ملی آن قوم است، که تنها با شناخت آن به ارزش معنوی و جهانی آن می‌توان پی برد. بویژه در این روزگار پر تحول و پر تلاطم، و آمیزش فرهنگ‌های گوناگون با یکدیگر، احراز هویت تاریخی و ارتباط با مواریت ملی، شرط سربلندی و سرافرازی هر قوم و ملت است.

برای ما ایرانیان که خوشبختانه وارث یک فرهنگ بسیار غنی و سرشار می‌باشیم، شناخت و آگاهی آن بسیار ضروری و واجب است. بویژه برای پیوند زدن این میراث گرانقدر انسانی، با ریشه‌های آیین آفرینش‌های باشکوه و گذشته افتخار آمیزی که در درون وجود هر ایرانی نهفته است.

برماست که به نکات ناشناخته‌های تاریخ و فرهنگ و ادب و فلسفه پرمایه خود با بینش و روح حقیقتش، و با روش پژوهش علمی، در راه گشودن ناشناخته‌های تاریخ درخشان ایران عزیزمان، و جنبه‌های علمی و انسانی فرهنگی ارزنده‌اش بکوشیم، و آنها را بشناسیم و بشناسانیم. شناساندن ایران و جلوه‌های گوناگون عناصر ارزشمند تاریخ و تمدن ایرانی به مردم ایران، یکی از مهمترین وظایفی است که ایران دوستان و پژوهشگران و اهل قلم و مربیان و معلمان برعهده دارند.

بویژه در این برهه از زمان که هر ملت با تکیه به مبانی فکری خود و با منش و بینش مستقل، خویش را در برابر امواج گوناگون و برخوردها باید نگاهدارد، تا بتواند استوار و پایرجا یکی از نمودارهای تشخیص و سرزنده بودن ملت‌ها، آثار، آراء و اندیشه‌های گرانبهای گذشتگان می‌باشد، که با وجود از سرگذراندن موجهای بنیان کن رویدادهای سخت تاریخی، و گذشت هزاره‌ها و سده‌ها بر جای مانده و به دستشان رسیده است.



نسل ایرانی این تشخیص و سرافرازی را دارد، که از پس تندبادهای خانه برانداز، و رویدادهای وحشتناک، و از پی اعصار و قرون سربلند بیرون آمده، ملیت و فرهنگ اصیل، کهن و زبان خود را نگاهداشته و نسلی به نسل دیگر با هزاران خون دل سپرده، و نگذاشته است که این درخت تنومند و پر بر پژمرده و خشک گردد.